

کنده کاری

روی چوب، مس و سنک

هنر ملی لهستان

در این ماه آلبومی از آثار حکاکان هنرمند لهستانی بدست ما رسیده که نمونه‌هایی از آنرا در این شماره بنظر خوانندگان می‌رسانیم. این آثار هنری اغلب بروی چوب و برخی بروی مس و سنک حک شده است. برای آنکه خوانندگان را با سابقه این هنر ملی لهستان آشنا سازیم تاریخچه صنعت حکاکی را در آن کشور باختصار بیان می‌کنیم و سپس به توصیف آثاری که در این شماره چاپ شده می‌پردازیم.

مغرب زمین در حکاکیهای با تیزاب اثر «با نکیویچ» یکی از بردگترین نقاشان لهستانی که وارد کننده تمایلات هنر فرانسوی بود بطور صریحتری آشکار می‌گردد. در این زمینه غنی، الهام و اجرا بی نهایت متنوع است و در آن اغلب حکاکان در همین مجال نقاشانی هستند که بدون کمک رنگها مسائل ترسیم و شکلها-ای را که نقاشی این دوره برای هنرمندان پیش می‌آورد، تعبیر میکنند.

چنانکه تکامل دقیق و پیوسته رنگها و تکنیکها وریشه گرفتن آثار را از هببق ترین سنن توده‌ای و هم آهنگی کامل آنها را با تمایلات اجتماعی ملت ملاک قضاوت قرار دهیم معتقد میشویم که هنر ترسیمی لهستان در راه صحیحی سیر میکند، راهی که به تحقق آثار بزرگ و بسزیا

چون صنعت حکاکی روی چوب در دنیا با نام ملت کهنال چین همراه است، شاید خوانندگان ما ندانند که این صنعت در يك کشور اروپایی مانند لهستان هم سابقه چند صدساله دارد. این هنر زبیا که معلوم نیست چگونه به لهستان راه یافته چنان با زندگی و عادات و آسوم مردم این کشور آمیخته شده و در طی قرون اخیر چندان توسعه و تکامل یافته که امروز یکی از هنرهای ملی لهستانیها بشمار می‌رود و با هنرهای ملی دیگر ملتهای اروپا همسری می‌کند.

هنر ترسیمی لهستان که با آزاد بوم و مناظر و معماری ملت لهستان روابط نزدیک دارد امروز جنبه بومی بسیار بارزی بخود گرفته است و یکی از سرچشمه های مهم الهام آن بخصوص در قسمت حکاکی روی چوب هنر توده‌ای ملی میباشد، تأثیرات

تسریں موفقیتها در آینده منجر خواهد گشت .

هنگام مطالعه در تاریخ هنر حکاکی مردم لهستان نخست مجموعه ای از آثار بی نام استادان قرون وسطی که مربوط به هنر مذهبی است دیده میشود - در این مجموعه نفوذ سبک های «رومن» و «گوتیک» که نشانه عمومی آثار این دوره است بخوبی مشاهده میگردد و از این حیث کمتر از عوامل ملی یا محلی که بخصوص در این قسمت مورد نظر ماست استفاده میشود - در گراورهای قدیمی روی چوب در کراکوی (Cracovie) متعلق به قرن شانزدهم مثلا در تصویر زیگموند (Sigismonda) اول (پادشاه) پادرتساویر جدید تر تورات اثر، یان لئوپولیت (Jean Le leopolite) نیز همین خصالت او نیور -

سالم قلبه دارد. قرون بعد دوران پیشرفت گراور در لهستان میباشد و این پیشرفت با نام زارنکو (Ziarnko) و پیره میاس فالک (Jeremias Falk) که ۳۵ سال از اولی کوچکتر است (۱۶۱۰-۱۶۷۷) تسوأم است. این دو نفر در نتیجه اقامت طولانی در خارجه موفق شده اند بین حکاکان لهستانی و هنرمندان اروپای غربی روابط نزدیکی برقرار سازند که تاکنون محفوظ مانده است. در اینجا شایسته است خاطر نشان گردد که یان پولاک (Jan Polak) که بخصوص در باویر (Bavière) مورد توجه بود نقشی شبیه به نقشی که (ژارنکو) و (فالک) در حکاکی روی مس داشتند در قسمت نقاشی داشته است - بدین ترتیب در قرن شانزدهم و هفدهم نوعی ارتباط هنری بین سواحل

• دوسبک معماری مربوط به قرون وسطی. رومن Roman یعنی رومی از نام «رم» گرفته شده و Gothic از نام «گتها» یکی از اقوام نژاد ژرمن .

ف

زندگانی هنری در فرانسه و ایتالیا و آلمان برقرار میشود و این جریانها را هنرمندان هر نسل که بسنن زیبایی استادان خویش و قادر هستند حفظ کرده و میکنند - «ژارنکو» شاگرد حکاکان لفوف (Lwow) هنر ملی را تا فلو رانس و پاریس میبرد که در آنجا بنام لگرن (le Grain) یا یوهانس ژارنکو پلونوس (Johannes Ziarnko Polnuss) یا لئوپولی پنیسیس معروف است این شخص در همین حال از استادان فرانسوی خود چیزهایی فرا گرفت . فالک اهل دانتزیک سازنده بسیار تعاویر نجیبای لهستان کوشیده است هنر ملی را بیاية آثار هلندیها و فلانها برساند این حکاک بنام ژ، فالک پلونوس (J. Falck polonus) امضاء میکرد .

در قسمت حکاکی روی چوب قرن هفدهم و تمام قرن بعد تقریباً بتساوی رسوده ای که دارای جنبه محلی هستند و خصالت عمومی آنها ساده و گساهی ساده لوحانه بودن است و صمیمیت تجسم از آنها میبارد محدود میگردد. یکی از مشخصات لهستانی آثار مورد بحث حس ستایش بخصوصی است که در باره حضرت مریم (Sainte Vierge) دیده میشود. این حس ستایش بخصوص در تابلوهای استادانی نامی تحت عنوان «دوشیزه» ژبوی پتس (La Vierge De Zywiec) «دوشیزه او کولینسه» (La Vierge d OKulice) آشکار میگردد. یکی دیگر از خصائص ملی این آثار جنبه زینتی آنها است که بدین جهت جزو هنر تزئینی لهستان محسوب میشوند .

در قرن هجدهم حکاکی روی چوب و

• پلونوس از نام لهستان Poland گرفته شده و «بعنی لهستانی» است .

و بوتی چلی (Botticelli) و رامبران (Rembrandt) کشیده است هنرمندان دیگری

هم در این زمینه کار کردند که ای. لویی تنسکی (I. Lopienski) از جمله آنان است که در سالون برلن در ۱۸۹۱ عنوان «آبرومند» به آثار او داده شد و سه سال بعد در (لفوف) بدریافت مدال طلا موفق گشت لویی تنسکی کوشید که تابلوهای یان ماتی کو (Jan Matejko) یکی از نقاشان عالیقدر مکتب تاریخی کراکوی را بشناساند. همچنین عده گراوردهای تیزایی ساخت که یکی از آنها سربسار زیبای یک پیرمرد است. در اثر تحصیلاتی که در وین تحت رهبری بنسکلر (Bengler) و در آموزشگاه هنرهای تزئینی کرد با هنر غرب آشنائی زیاد یافت حال که از مراحل اصلی تحول حکاکی روی چوب و مس با سرعت گذشتیم لفظه ای



کودک یک پا (کنده کاری روی چوب)

به دوره ای میپردازیم که آخرین زاده های هنر ترسیبی لهستان یعنی لیتوگرافی پدیدار گشت - نام او اورلوفسکی (A. Orloxski) (۱۷۷۷ - ۱۸۳۲) رسام و کاریکاتورساز درجه یک که از لحاظ الهام کاملاً لهستانی است و تحت تأثیر هنر فرانسوی و هلندی قرار گرفته با دوران آغاز لیتوگرافی توأم است - موضوعهایی که این هنرمند دوست دارد ترسیم هیکلهای سربازان و صحنه هایی از زندگی ده زادگاهش میباشد - لیکن در قسمت لیتوگرافی لهستانی پیشگامان دیگری هم بودند از قبیل ژ. سوکولوفسکی (G. Sokoloxski) و شلی ویتسکی (W. Slixicki) و می. کولکوفسکی (I. Kulakoxski) که در کارگاهی که کنت آ. خودکی تویچ (A. Chodkiexicz) شاهزاده هنرپرورد برای آنان گشود، گرد آمدند .

روی مس با هم پیش از پیش توسعه می یابد تا جائیکه خود و وی تسکی (Daniel Chodowiecki) هنر لهستانی که نامش خیلی معروف است و امروزه بسیار برای او ارزش قائلند در آلمان (بیشتر در این کشور اقامت داشته) و سراسر اروپا معروف شود.

اما مهمترین واقعه پایان این قرن پیدایش حکاکی با تیز آب در لهستان است که آغاز پیدایش آن بانام: م پلونسکی (M. Plonski) (۱۷۷۸ - ۱۸۱۲) توأم میباشد - ولی جای تأسف است که آثار نثر این هنرمند بسیار کم است؛ او غالباً بکشیدن از روی تابلوهای معروف اکتفا کرده است - جانشین او یاسینسکی (Jasinski) نیز همین روش را در پیش گرفت یعنی با گراو وردهای تیزابی از روی نقاشیهای فرا آنژ لیکو (Fra Angelico)

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن

لیتوگرافی به معنی حکاکی روی سنگ است



بسوی آموزشگاه (کار هنرمندان چینی برای مقایسه با آثار هنرمندان لهستانی)

لهستانی آورده شده است . این سه نمونه
کنده کاری روی چوب و از آثار هنرمندانی
نیست که در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن
بیستم میزیسته اند . در « گاوها » اثر بارتلو
میچیک - ادmond زندگی پررنج
و مشقت دهقانان لهستانی در دوران رواج
رژیم فئودالی ، تجسم یافته است . هنرمند
دیگر بنام هیشیانسکا ماربا H. Maria
در اثر خود وضع رقت انگیز هنرمندان را
که در کوچه و خیابان به گدائی افتاده اند
نشان میدهد . نمونه این زامشگران دوره
گرد که برای چندشاهی ساعتها در کوچه
و خیابان نوازندگی می کنند امروز هم در
کشور های اروپای غربی کم نیست .
« پسرک پا » اثر زیلبر برک فیشل
Z. Fiszel نیز منظره دیگریست از
زندگی مردم لهستان در آغاز این قرن .

بیستم هنر ترسیمی لهستان بساییدایش سه
هنرمند بنام پانکیه و بیچ (Pankiewicz)
تیزابکار و ل . وچولکوفسکی
(L. Wyczolcoxski) سینگ نگار و شکوچولا
(Skoczylas) حکاکی روی چوب
باوج کمال میرسد . پیدایش آنان آغاز
دوره نوینی است ، بدین ترتیب در دوره
بین دو جنگ نقاشی در لهستان یک رقیب
جدی پیدا کرد که روز بروز محبوبیت
بسیار یافت و ملی تر گشت و جنبه « لهستانی »
پسودن آن بیشتر شد - این رقیب صنعت
گراور سازی بود که موفقیتهای عظیمی
بدست آورد . لیکن شاید بعلم همین جنبه
ملی و محلی بودنش این همه بر خارجیان
مجهول و نامفهوم مانده و گاهی هم بناحق
برای آن ارزشی کمتر از آنچه هست
قابل شده اند .

در این شماره سه نمونه از آثار هنرمندان